



۷. آنچه را که انفاق می‌کند، کوچک و کم
میان آوردیم. اینک از زوایای دیگر آن را
می‌نگریم.
(مدثر/۶۷).
۸. از اموالی باشد که به آن دل بسته است و
مورد علاقه او است. (آل عمران/۹۲).
۹. هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند،
بلکه خود را واسطه‌ای میان خالق و خلق بداند
(حدید/۷).
۱۰. و قبل از هر چیز باید انفاق از اموال
حلال باشد؛ چرا که خداوند فقط آن را می‌پذیرد.
(مائده/۲۷).
- آداب انفاق کننده**
همچنین در آداب انفاق کننده آمده است:
اول: وقتی قصد کرد که مالی را در راه خدا
انفاق کند، بداند که شیطان از او دور شده است.
سریع این عمل را انجام دهد و فرصت را غنیمت
شمارد که در تأخیر آن، آفات بسیاری وجود دارد.
- پیشتر از آثار و انگیزه‌های انفاق سخن به
میان آوردیم. اینک از زوایای دیگر آن را
می‌نگریم.
در انفاق کردن نکات مهم زیر باید رعایت
شود:
۱. از بهترین قسمت مال انتخاب شود، نه از
اموال کم ارزش. (بقره / ۲۶۷)
 ۲. از اموال مورد نیاز انسان باشد. (حشر/۹)
 ۳. به کسانی انفاق کند که سخت به آن
نیازمندند و اولویت‌ها را در نظر گیرد. (بقره/ ۲۷۳)
 ۴. انفاق اگر مکتوم باشد، بهتر است.
(بقره/۲۷۱).
 ۵. هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد.
(بقره/ ۲۶۴).
 ۶. انفاق باید توأم با اخلاص و خلوص نیت
باشد. (بقره/ ۲۶۵).

دوم: قبل از درخواست نیازمند، به او انفاق کند و نگذارد که او مجبور به درخواست شود؛ زیرا آنچه بعد از سؤال داده می‌شود، به قیمت از دست رفتن آبروی فرد است.^۱

سوم: اینکه هنگام صدقه دادن، تواضع و فروتنی از خود نشان دهد.

چهارم: صدقات و انفاق خود را در اوقات با فضیلت مثل روز جمعه، روز عید غدیر، ماه ذی الحجه یا ماه رمضان بدهد.

پنجم: صدقات واجب را آشکار بدهد که بهتر از پنهان دادن است، اما صدقات مستحب را پنهان دادن بهتر است.

ششم: از منت نهادن دوری کند و وقتی عطایی را به کسی می‌دهد، از آن دل بکند.

هفتم: آنچه به فقیر می‌دهد، به گونه‌ای باشد که باعث ذلت و خواری شخص فقیر نگردد؛ مثلاً اگر دادن پول نقد به او باعث شرمساری وی می‌شود، می‌تواند به اندازه آن جنس بدهد و اسم آن را هدیه نام نهد.

هشتم: بعد از صدقه دادن، دست خود را بیوسد؛ چون در واقع با خدا معامله کرده و دست فقیر، دست خداست.

نهم: وقتی به فقیر چیزی داد، از او طلب دعا نکند؛ زیرا دعای فقیر در حق او مستجاب می‌شود.

دهم: در انفاق، استحقاق را منظور دارد. مکروه است انسان سائل را رد کند؛ و لو گمان به بی‌نیازی او دارد و در این صورت هم چیزی به او عطا کند.^۲

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر مرد در زمان حیات خود یک درهم صدقه بدهد، بهتر از یکصد درهم صدقه در موقع مردنش است.^۳

یکی از سرمایه‌داران مدینه وصیت کرد که انبار خرمای او را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به بینوایان انفاق کند. پس از مرگ او، رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام خرماها را به بینوایان داد، آن گاه یک عدد خرمای خشکیده و کم مغز برداشت و به مسلمانان فرمود: سوگند به خدا که اگر خود این مرد، این یک دانه خرما را به بدبخت و گرسنه‌ای می‌داد، پاداش آن نزد پروردگار بیش از همه این انبار خرماست که من به دست خود که پیامبر خدا هستم، به فقرا و بینوایان دادم.^۴

یکی از علمای نجف می‌گوید: در نجف اشرف دیدم که عالم ربانی آیت الله سید علی قاضی طباطبایی (استاد اخلاق علامه طباطبایی) از دکانی کاهو می‌خرد، ولی برخلاف سایر مشتری‌ها که کاهوی مرغوب را جدا می‌کنند، او کاهوهای نامرغوب را جدا کرد و پولش را داد و رفت. از او علت این کار را پرسیدم. فرمود: فروشنده این کاهو آدم فقیری است. من می‌خواهم به او کمکی کنم و در ضمن نمی‌خواهم به طور مجانی باشد تا هم شخصیت و حیثیت او محفوظ باشد و هم او به پول مجانی گرفتن عادت نکند. پس این کاهوها را که کسی نمی‌خرد، از او خریداری می‌کنم.^۵

در احادیث بسیاری آمده است که آیه ۲۷۴ سوره بقره درباره حضرت علی رضی الله عنه نازل شده است؛ زیرا آن حضرت چهار درهم داشت:

درهمی را در شب و درهمی را در روز و درهمی را آشکار و درهمی را در پنهان انفاق کرد و این آیه نازل شد که می‌فرماید: «آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند».

مصرف انفاق

برای اینکه انفاق به بهترین شکل هزینه شود، باید به نکاتی توجه کرد:

۱. مصارف گوناگون را در نظر بگیریم و از آن میان بهترین را انتخاب کنیم.

۲. اگر فکر خودمان به جایی نرسید، با دیگران مشورت کنیم و از اندیشه آنان بهره برداریم.

۳. پس از این همه، از خداوند بخواهیم که بهترین راه مصرف را به ما نشان بدهد و ما را به آن هدایت کند.

ممکن است با یک غذا کافری را سیر کرد و یا مسلمانی را نجات داد و یا رهبری را نگهداری کرد. توجه به این ظرافت‌ها، بر اثر نورانیت و تفکر و مشورت است.

در آیه ۲۷۳ بقره قرآن، بهترین مصارف انفاق این گونه بیان شده: انفاق به کسانی که در راه خدا، محصور شده‌اند؛ یعنی کسانی که به خاطر اشتغال به جهاد در راه خدا و نبرد با دشمن و یادگیری فنون جنگی یا تحصیل علوم لازم دیگر، از تلاش برای معاش و تأمین هزینه زندگی باز مانده‌اند. سپس برای تأکید می‌افزاید:

«همان‌ها که نمی‌توانند سفری کنند» و «کسانی که افراد نادان و بی‌اطلاع، آنها را از شدت عفاف غنی می‌پندارند. آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی». نیز در وصف اینان می‌فرماید: آنها چنان بزرگوارند که «هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند».

موانع انفاق

۱. یک دسته از این موانع همان محبت‌ها و عشق‌ها به ثروت دنیا و دارایی‌ها و بهره‌های آن است. چرا از ثروتی که با زحمت به دست آورده‌ام، به بینوایان کمک کنم؟ با اینها که رنج نمی‌کشند و می‌خواهند از رنج‌های من بهره ببرند، چرا همراهی کنم؟

۲. عده‌ای این سفسطه و این منطق را دارند که اگر خدا می‌خواست، خودش به اینها می‌داد: «أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ»؛ «آیا کسانی را خوراک بدهیم که اگر خدا می‌خواست، به آنها می‌خورانید؟».

۳. ضعف‌ها و نبود ظرفیت‌ها و نبود قدرت روحی. با اینکه یک انبان ذخیره دارد، یک لقمه نمی‌دهد که مبادا زمستان طولانی شود و برف‌ها بیارند و تابستان هم سیزه‌ای نروید و تا سال‌های سال کشتزاری بر دم باد موج نزنند و محصولی به دست نیاید.

۴. وسوسه‌های شیطانی. شیطان می‌گوید: تو پیری داری، کوری داری! در برابر موانع اول، آنها که به عشق بزرگ‌تری رسیدند، به راحتی از عشق‌های

کوچکتر نردبان می‌سازند و از آنها بهره می‌گیرند. در مورد مانع دوم، هدف همین بخور و بخوران، بنوش و بنوشان نیست. نه هدف این است که شکمی سیر شود و نه خدا این را می‌خواهد. او می‌خواهد دو دسته، خودشان را بارور کنند: یکی با دادن و دیگری با روی نینداختن، یکی با شکر و دیگری با صبر.

این ترس‌ها و ضعف‌ها و وسوسه‌های شیطانی، فقط در انفاق‌های عاطفی و تلقینی رخنه می‌کنند، اما در انفاقی که از روی شناخت و عشق و وظیفه است، دیگر ترسی نیست، حتی اگر مرگی و ذلتی باشد، آن مرگ و ذلت، سنگین و رنج آفرین است که در راه وظیفه نباشد و بر پایه شناخت و عشق نایستد.

همچنین رباخواری نقطه مقابل انفاق است؛ زیرا رباخواری موجب افزایش فقر در جامعه و تراکم ثروت در دست عده‌ای محدود و محرومیت اکثر افراد اجتماع است. انفاق سبب پاکی افراد اجتماع، پاکی دل و طهارت نفوس و آرامش جامعه است و رباخواری سبب پیدایش بخل و کینه و نفرت و ناپاکی است.

شیطان انسان را از فقر و تنگدستی می‌ترساند، به خصوص اگر اموال خوب و قابل استفاده را انفاق کند. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «شیطان به هنگام انفاق به شما وعده فقر و تهیدستی می‌دهد» و می‌گوید: تأمین آینده خود و فرزندانتان را فراموش نکنید و از امروز فردا را ببینید، اما این وسوسه‌های گمراه کننده شیطان « شما را وادار به معصیت و گناه

می‌کند». بخل و ترک انفاق در بسیاری از موارد، نوعی معصیت و گناه است. گاهی شیطان وسوسه می‌کند که اموال غیر قابل مصرف را انفاق کنیم. سپس قرآن می‌افزاید: «خداوند آمرزش از سوی خود و فضل و بخشش را به شما وعده می‌دهد».^۶

در تفسیر مجمع البیان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: هنگام انفاق دو چیز از طرف خداست و دو چیز از ناحیه شیطان. آنچه از جانب خداست، یکی «آمرزش گناهان» و دیگری «وسعت و افزونی اموال» است و آنچه از طرف شیطان است، یکی وعده فقر و تهیدستی و دیگری امر به فحشا است.

جالب توجه اینکه از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که فرمود: هرگاه در سختی و تنگدستی افتادید، به وسیله انفاق کردن، با خدا معامله کنید^۷ (انفاق کنید تا از تهیدستی نجات یابید).

وسعت انفاق

انفاق و گذشت، با هدف سازندگی و همبستگی و یگانگی، و با انگیزه شناخت و عشق و وظیفه، به وسعت‌ها و گسترده‌گی‌هایی می‌رسد، چه در شکل، و چه در مصرف‌ها و موردها و چه در آنچه انفاق می‌کند.

وسعت در شکل از صورت سؤال و طلب تا حد شبانه به آنها رساندن و پنهانی آنها را تأمین کردن، و تا حد بدون اجازه برداشتن و بدون اطلاع برادر، از دارایی او استفاده کردن.

کسانی که برای خدا عطا می‌کنند، خدا را بالاتر از دست‌ها می‌دانند، این بخشش را داده او می‌دانند که دوباره به خدا قرض داده می‌شود و با سودهای بی حساب برای او ذخیره می‌گردد. وسعت در موارد مصرف، از دوست‌ها و خویشان گرفته تا کسانی که حتی به ما بدی کرده اند و ما را آزرده اند.

وسعت در مواد انفاق، از درهم و قلم و قدم گرفته تا وقت‌ها و اعتبارها و آبروها و شفاعت‌ها و... ما خیال می‌کنیم همین که چیزی نداشتیم، تکلیفی نداریم؛ در حالی که انفاق نه به ثروت، که به توانایی ما بستگی دارد:

از تو سؤال می‌کنند، چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است. (لازم نیست تظاهر کنید، او می‌داند).^۸

این آیه هر نوع کار، مال، خدمات و سرمایه مفید و حتی امور معنوی همچون علم را نیز در بر می‌گیرد؛ هر چند مصداق مهم آن در مورد انفاق، اموال است.

گویند آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء مبلغی را میان فقرا تقسیم کرد و پس از اتمام آن به نماز ایستاد. یکی از فقرا بین دو نماز نزد شیخ رفت و به او گفت: سهم مرا هم بده. شیخ فرمود: تو دیر آمدی وجه تمام شده.

فقیر غضبناک شد و آب دهان خود را به محاسن شریف شیخ انداخت.

شیخ از محراب برخاست و دامن خود را گرفت و در میان صفوف گردش کرد و فرمود: هر کس ریش شیخ را دوست دارد، به فقیر کمک کند. پس مردم دامن شیخ را از پول پر کردند و شیخ آنها را به فقیر داد.^۹

به راستی، اگر از نعمت‌هایی که به من داده‌اند، بازخواست خواهد شد: ﴿لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾، چه جواب بدهم؟ و اگر از شیخ سؤال می‌شد که تو، اعتباری بین نمازگزاران داشتی، اگر این کار را نمی‌کرد، چگونه می‌توانست جواب دهد؟

گر کشتی یک کور از چاه ای فلان
به که خود بالا کشتی تا آسمان
گر بر آری حاجت بیچاره‌ای
به که خوانی چل کرت سی پاره‌ای
در رضای یک مسلمان، ده قدم
به که سالی طی کنی راه حرم^{۱۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۸.
۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۹۲.
۳. جامع احادیث شیعه، ج ۸.
۴. نمونه معارف اسلامی، ص ۴۱۹.
۵. مهر تابان، به نقل از استاد حسن زاده آملی.
۶. بقره/ ۳۶۸.
۷. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۵۸.
۸. بقره/ ۲۱۵.
۹. فوائد الرضویه، ص ۷۳.
۱۰. مثنوی نراقی، ص ۳۴.